

Measuring the capacity of literary tourism in the blessed monument

Maryam Goli¹

Abstract

Since Imamzadegan and blessed monument have always been of interest to people, they have had various functions throughout history. The atmosphere of pilgrimage and worship as the main function of these places has always been considered and this has caused these places to attract the attention of different artists, either in the construction of the building or as a place for burial. Literary tourism is one of the unknown capacities of the blessed monument that needs to be introduced and revived. In the definition of literary tourism, which is one of the sub-branches of cultural tourism, it has been said that everything related to the category of poetry and poets and Literary; It is included in this branch of tourism. The hypothesis of this research is that Imamzadegan and blessed monument, both due to the presence of inscriptions and poems in its construction, and because of the tombs of poets and Literary and poems engraved on the tombstones, can become literary tourism hubs. To prove this hypothesis by using the method of field and document and library study centered on Imamzadeh Ahmad Isfahan; It was explained that inscriptions, tombs of poets and calligraphers, poems on gravestones and poems on the date of death are among the potentials of this place to create literary tourism.

Keywords: Imamzadeh Ahmad, Tomb, Poem, Inscription.

The first year |

Number two |

Winter 2023 |

1. Master of History of Islamic Iran
m.g70esf@yahoo.com

مقدار استيعاب السياحة الأدبية فى الاماكن المباركة (دراسة حالة ابن الامام احمد اصفهان)

مريم گلى^١

الخلاصة

نظراً لأن أبناء الأئمة و البقاع المباركة كانت دائماً محل اهتمام الناس، فقد كان لهما وظائف مختلفة عبر التاريخ. لطالما تم اعتبار أجواء الزيارة و العبادة الوظيفية الرئيسية لهذه الأماكن، مما جعل هذه الأماكن محط اهتمام مختلف الفنانين سواء كانوا يؤدون فناً فى تشييد المبنى أو كمكان للدفن. السياحة الأدبية هى إحدى القدرات لاستيعابية المجهول فى الاماكن المباركة و التى تحتاج إلى التعريف بها و إحيائها. و فى تعريف السياحة الأدبية التى هى أحد فروع السياحة الثقافية يقال أن كل ما ينتمى إلى فئة الشعراء و الكتاب يندرج فى هذا النوع من السياحة.

نظريه هذا البحث هى أن أبناء الأئمة و الاماكن المباركة يمكن أن تصبحا قطبين للسياحة الأدبية بسبب وجود نقوش و قصائد فى بنائهما، فضلا عن مقابر الشعراء و الأدباء و الأشعار المنقوشة على صخور القبور.

و لإثبات هذه النظرية باستخدام طريقة الدراسة الميدانية و الوثائقيه و المكتبية و بالتركيز ابن الامام أحمد أصفهان، تم توضيح أن النقوش و مقابر الشعراء و الخطاطين و القصائد على صخور القبور و المواد التاريخية كلها من بين القدرات الاستيعابية الموجودة فى هذا المكان لايجاد السياحة الأدبية.

كلمات مفتاحية: ابن الامام احمد، مزار، شعر، نقش



فصل نامه
علمی
مطالعات
بقاع و
اماکن
متبرکه

ظرفیت سنجی گردشگری ادبی در بقاع متبرکه (مطالعه موردی امامزاده احمد اصفهان)

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۲

مریم گلی^۱

چکیده

امامزادگان و بقاع متبرکه از آنجایی که همواره مورد توجه مردم بوده، کارکردهای مختلفی در طول تاریخ داشته است. فضای زیارت و عبادت به عنوان اصلی‌ترین کارکرد این مکان‌ها همواره مورد توجه بوده و همین امر باعث شده که خواسته یا ناخواسته این مکان‌ها مورد توجه هنرمندان مختلف چه در هنرنمایی در ساخت بنا و چه در جهت مکانی برای دفن قرار بگیرد. یکی از ظرفیت‌های ناشناخته بقاع متبرکه که نیاز به معرفی و احیا دارد، گردشگری ادبی است. در تعریف گردشگری ادبی که از زیرشاخه‌های گردشگری فرهنگی می‌باشد گفته شده است که هر آنچه به مقوله شعر و شاعری و ادیبان باشد جزو این شاخه از گردشگری قرار می‌گیرد. فرضیه این پژوهش این است که امامزادگان و بقاع متبرکه هم به دلیل وجود کتیبه‌ها و اشعار در ساخت آن، و هم به دلیل مزار شاعران و ادیبان و اشعار نقش بسته بر سنگ مزارها می‌تواند به قطب‌های گردشگری ادبی تبدیل شود. برای اثبات این فرضیه با استفاده از روش مطالعه میدانی و اسنادی و کتابخانه‌ای با محوریت امامزاده احمد اصفهان، تبیین شد که کتیبه‌ها، مقابر شاعران و خطاطان، اشعار سنگ مزارها و ماده‌تاریخ‌ها، همه و همه جزو ظرفیت‌های موجود این مکان جهت ایجاد گردشگری ادبی به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه: امامزاده احمد، مزار، شعر، کتیبه

مقدمه و تبیین مسئله

امروزه صنعت گردشگری، یکی از صنایع مهم و پیشران در جهان به‌شمار می‌رود که ظرفیت‌های متعددی هم لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ فرهنگی و اجتماعی دارد. تنوع سلیق مردم باعث شده که شاخه‌های بسیاری در این صنعت ایجاد شود و اکثر جوامع برآند تا از ظرفیت‌های مختلف در راستای گسترش صنعت گردشگری بهره ببرند. بقاع متبرکه از جمله ظرفیت‌های گردشگری است که با توجه به گستره پراکندگی جغرافیای آن در جهان اسلام و بخصوص ایران اسلامی، می‌تواند ظرفیت‌سازی خوبی در راستای صنعت گردشگری داشته باشد.

دو نمونه از صنعت گردشگری از دیرباز در این اماکن تعریف شده و مورد توجه است، یکی گردشگری مذهبی که که پیوند عمیقی با شعائر مذهبی دارد و دیگری گردشگری تاریخی که در برخی از این بناها با توجه به ظرفیت‌های هنری معماری اتفاق افتاده است. امروزه، علی‌رغم توسعه صنعت گردشگری و گسترش شاخه‌های تخصصی آن، ظرفیت سنجی امامزادگان و بقاع متبرکه در راستای بهره‌برداری بهتر در صنعت گردشگری امری مهم و ضروری به‌شمار می‌رود. نویسندگان در این مقاله سعی بر آن دارند، ظرفیت گردشگری فرهنگی و زیرشاخه آن، گردشگری ادبی را بررسی نمایند.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به جدید بودن موضوع گردشگری ادبی، تاکنون رساله یا مقاله‌ای مستقل با این موضوع در خصوص امامزادگان و بقاع متبرکه تألیف نشده است ولی برخی از پژوهش‌ها به بحث‌های پیرامونی این موضوع اشاره داشته‌اند.

مقاله «بررسی ظرفیت‌های گردشگری ادبی ایران»، نوشته ابوالفضل سامیان گرجی و همکاران سعی در تبیین گردشگری ادبی در ایران دارد. این مقاله که با مطالعه موردی استان خراسان رضوی نگاشته شده به برخی از ظرفیت‌های گردشگری ادبی در مرقد امام رضا^ع اشاره داشته و توضیحات مختصری در این مورد دارد.

مقاله «چالش‌ها و رهیافت‌های توسعه گردشگری ادبی در ایران»، نوشته ناصر بیات و علیرضا اسدی سعی بر آن دارد که ظرفیت‌های گردشگری ادبی و چالش‌های پیش روی این صنعت جدید در ایران را تبیین کند. این مقاله با توجه به تعریف‌های جدید و جامعی که از گردشگری ادبی دارد در این زمینه بسیار راه‌گشا بوده است ولی متأسفانه به ظرفیت‌های امامزادگان و بقاع متبرکه در این امر اشاره نکرده است.

صیامیان گرجی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مسیر گردشگری ادبی در حوزه شرق ایران مورد مطالعاتی؛ استان خراسان رضوی»، بیان می‌کنند که یکی از غنی‌ترین میراث معنوی هر کشور را می‌توان ادبیات آن دانست و از مشاهیر ادبی به عنوان مولدان و حافظان این میراث نام برد. اگر از دیدگاه تفسیری، به گردشگری ادبی نگریسته شود، انگیزه دیدار از اماکن، آرامگاه‌ها و با



خانه‌های شاعران و مشاهیر را نباید در سبک معماری و با ویژگی‌های محیطی یک آرامگاه دانست، بلکه باید هدف از سفر را، محتوا و درون مایه آثار و شعرهایشان دانست که باعث گردید، نوعی رابطه احساسی و قلبی با مشاهیر برقرار شود و شکل نوینی از گردشگری، به عنوان گردشگری ادبی را تشکیل دهد.

محمد رضا کبیری در پایان نامه ارشد خود با عنوان، «جمع آوری، تجزیه و تحلیل اشعار منقوش در ابنیه تاریخی اصفهان اعم از کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌ها» سعی در جمع آوری کتیبه‌ها و اشعار موجود در برخی از امامزاده‌های اصفهان داشته است. در این پایان‌نامه که به بررسی امامزاده احمد اصفهان نیز پرداخته شده، بدون این‌که به ظرفیت‌های گردشگری ادبی این اماکن پرداخته شود، سعی شده که ویژگی‌های شعری و ادبی برخی از اشعار و کتیبه‌ها بررسی گردد.

۲. امامزاده احمد

امامزاده احمد به علی بن محمد باقر^ع یکی از امامزادگان معتبر و تاریخی شهر اصفهان به‌شمار می‌رود. آنچه از محتوای برخی کتب تاریخی به‌دست می‌آید چنان است که ایشان فرزند سلطان‌علی بن محمد باقر، معروف به شهید ارده‌ال می‌باشند. وجود این مقبره در محله حسن آباد اصفهان که حوالی میدان نقش جهان عصر صفوی می‌باشد از یک طرف پیوستگی تشیع مردم اصفهان و کاشان در قرن دوم و سوم هجری را بیان می‌دارد و از طرفی وجود کتیبه‌ها و آثار از قرن پنجم تاکنون به اهتمام ویژه مردم اصفهان به زیارت امامزادگان اشاره دارد. موقوفات شاهان صفوی و علما و همچنین مدفن برخی از عالمان و شاعران و شخصیت‌های سیاسی در کنار این مضجع شریف، به جایگاه والای این بقعه در دوران صفوی تاکنون می‌توان پی‌برد.

امروزه نیز این مکان به عنوان یکی از امامزادگان معتبر اصفهان مورد زیارت مردم این شهر قرار دارد و یکی از مهم‌ترین محورهای گردشگری مذهبی در شهر اصفهان باشد که ضرورت معرفی آن را بیش از پیش بیان می‌دارد. بر اساس شواهد موجود، قبل از سال ۵۳۷ ق، بنایی بر مزار احمد بن علی برپا بوده که در این سال تجدید بنا شده‌اند. لوحی از سنگ سیاه با کتیبه‌ای به خط کوفی حاکی از تجدید این بنا در سال مذکور تا سال ۱۳۰۷ ش است. (جناب، ۱۳۷۵: ۱۱؛ جابری اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۵۲). از بنای متعلق به سده ششم هجری، تنها یک کتیبه موجود است که بر روی آن نوشته «آمین یا رب العالمین فی تاریخ الخامس عشره من ربیع الاول سنه ثلاث وستین و خمسمائه». (جابری اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۵۲)

سردر بنا، مجموعه‌ای مقرنس از آجر و کاشی است، همچنین کتیبه‌هایی به خط بنایی در طاق ایوان و نقوش مقلی و کتیبه‌هایی به خط بنایی با کاشی در بدنه آن. بر کمر ایوان، کتیبه‌ای از جنس کاشی به قلم ثلث به رنگ سفید و طلایی روی زمینه لاجوردی به خط علی نقی امامی و تاریخ ۱۱۱۵ ق دیده می‌شود که حاکی از توسعه بنای امامزاده (از عرصه و اعیان) در زمان سلطان حسین صفوی به دست محمد شریف منجم است. (هنرفر، ۱۳۷۰: ۶۷۰). بر لچکی‌های پیشانی بعضی از طاق‌نماها در اطراف صحن، کاشی‌هایی با نقش گره‌سازی و کتیبه‌هایی به خط بنایی نقش بسته است. بالای بقعه چهارگوش، پوششی گنبدی است و در رأس آن گنبدی کوچک با ساقه‌ای بلند و دارای هشت



پنجره ساخته شده و با دو ایوان در شمال و شرق، به صحن نسبتا وسیع امامزاده راه یافته است. گنبد از درون با قطاربندی و مقرنس کاری مزین شده است. بدنه داخلی بنا، کتیبه‌ای حاوی سوره دهر و آیات ۱۸۰-۱۸۲ سوره صافات به قلم ثلث و به رنگ طلایی برزمینه لاجوردی با رقم «ابن محمد محسن علی نقی الامامی» و تاریخ ۲۲ شعبان ۱۱۱۵ گچبری شده است.

دیواره‌های درونی و بیرونی بقعه، با قطعات کوچک کاشی به رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی با اشکال هندسی تزیین شده و فاصله بین کتیبه و ازاره و کتیبه و گنبد با گچبری پوشانده شده است. مزار هم کتیبه‌ای گچبری شده با تاریخ ۱۱۱۵ ق دارد. در سال ۱۲۹۰ ق و در زمان حکومت ظل‌السلطان بر اصفهان، تعمیراتی در بنا انجام شد، ضریح منبت گره‌سازی با محجرهای فلزی و کتیبه نستعلیق شامل اشعاری حاکی از تعمیر بقعه و ماده تاریخ «ظل سلطان نهاد کعبه بنا» از این دوره است. (هنرفر، ۱۳۴۶: ۶۷۲)

۳. گردشگری

گردشگری در جهان معاصر به دلیل شرایط کاری و سکونت افراد، افزایش شناخت آن‌ها از مناطق مختلف و تسهیلات و جابجایی و مسافرت، اهمیت زیادی یافته است در این بین گردشگری مذهبی و فرهنگی یکی از شاخه‌های اصلی گردشگری به‌شمار می‌رود. (اتنی عضران و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۸). گردشگری فرهنگی را می‌توان به عنوان یکی از کهن‌ترین گونه‌های گردشگری به‌شمار آورد. به طور کلی آنچنان که از منابع مختلف علمی برمی‌آید نمی‌توان تعریف یکسانی درباره گردشگری فرهنگی ارائه داد. پژوهشگران مختلف با توجه به زمینه فکری و تجربه‌های مطالعاتی خود تعاریف به نسبت متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند. (بیات و اسدی، ۱۳۹۶: ۳) در واقع برداشت‌های متفاوت از دو مفهوم «گردشگری» و «فرهنگ» را مهمترین دلیل دشواری ارائه تعریفی یکسان از گردش شناخت. اما به طور کلی، و به عنوان نقطه اشتراک بیشتر تعاریف موجود، می‌توان گفت گردشگری فرهنگی برآمده از جذابیت‌های منابع مادی و غیر مادی فرهنگ (ملموس و غیرملموس) در مقصدهای گردشگری است (Yamashita, 2016)، مانند: معماری، ادبیات، آثار هنری، موسیقی، سبک و شیوه خاص زندگی، انواع جشنواره‌ها، آداب و رسوم خاص فرهنگ‌های محلی، فیلم و سینما، نمایشگاه‌های هنری، موزه‌های فرهنگی و غیره.

۳-۱. گردشگری ادبی

همان‌طور که بیان شد، گردشگری ادبی نوظهور است و به همین دلیل هنوز تعریف جامع و کاملی برای آن وجود ندارد و فقط می‌توان آن را بخشی از گردشگری فرهنگی قلمداد کرد. یوری معتقد است هنگام بحث درباره گردشگری فرهنگی می‌بایست میان «نگرش رمانتیک»^۱ و «نگرش کلی (عام)»^۲ به گردشگری تمایز قایل شد. (Urry, ۱۹۹۰). بر اساس دیدگاه وی نگرش رمانتیک بیشتر مختص گردشگرانی است که از سطح فرهنگ و آموزش بالاتری برخوردارند. بنابراین،

1. Romantic gaze
2. Collective gaze

گردشگرفرهنگی (و گردشگری ادبی به عنوان یکی از مهمترین شاخه‌های آن) به طور کلی در چارچوب نگرش رمانتیک جای می‌گیرد، به طوری که می‌بایست پذیرفت گردشگر فرهنگی بیشتر به فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ علاقه‌مند است و به طور کلی در پاسخ‌گویی ملموس به نیازهای فرهنگی خود است تا از این طریق سطح دانش و فرهنگ خود را ارتقاء بخشد (بیات و اسدی، ۱۳۹۶: ۶). یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین تعریف‌هایی که از مفهوم گردشگری فرهنگی به عمل آمده، مربوط به سازمان جهانی گردشگری ملل متحد^۱ است؛ در این تعریف آمده است: «مسافرت مردم به سوی جاذبه‌های فرهنگی در مکان‌هایی خارج از محل سکونت آن‌ها، به قصد کسب دانش و تجربه، پاسخگویی به نیازهای فرهنگی، مانند: مشارکت در رویدادهای فرهنگی و هنری، بازدید از مکان‌های میراث فرهنگی، بازدید از نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، تماشای فیلم و تئاتر» (بیات و اسدی، ۱۳۹۶: ۷؛ صامیان گرجی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۸).

۴. گونه‌شناسی گردشگری ادبی در امامزاده احمد

هرچند هنوز نیز تعریف جامع و مشخصی از گردشگری ادبی که مورد اتفاق تمامی صاحب‌نظران باشد بیان نشده است؛ ولی آنچه که مشخص است و تقریباً مورد اذعان اساتید این حوزه است، گردشگری ادبی به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که در آنجا در مورد ادیبان و نویسندگان و شاعران بتوان آثاری یافت و بتوان در مورد ایشان صحبت کرد. به همین دلیل، آرامگاه ایشان و همچنین کتیبه‌ها و اشعار حجاری شده از ایشان می‌تواند مقصد گردشگری ادبی باشد. امامزادگان و بقاع متبرکه، با توجه به بُعد مذهبی خاصی که دارند از دیرباز به‌عنوان محل دفن مردم مورد استفاده قرار می‌گرفته است به گونه‌ای که امروزه شاهدیم که در بسیاری از این اماکن متبرکه، علاوه بر مردم عادی، مشاهیر و مفاخر دوران و همچنین بزرگان سیاسی و علمی نیز مدفون هستند. در این بین وجود مزار شاعران می‌تواند این اماکن را به‌عنوان مقصد گردشگری ادبی تبیین نماید.

۴-۱. شاعران مدفون در امامزاده احمد

امامزاده احمد در طول حیات اجتماعی خود، مدفون بسیاری از مشاهیر شهر اصفهان اعم از علمی، ادبی و سیاسی بوده است، وجود مقبره آقانجفی و همچنین مقبره زنان قاجاری خودگویای این مدعاست. این مکان همچنین مدفون شاعران بنا می‌است که هرکدام تأثیرات سیاسی اجتماعی و همچنین ادبی ویژه‌ای داشته‌اند. متأسفانه از برخی از این شاعران اطلاعی در دست نیست. در ادامه به مهم‌ترین این شاعران خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱. همای شیرازی (اصفهانی)

محمدرضا قلی‌خان متخلص به «هما»، از شاعران به‌نام قرن سیزدهم هجری می‌باشد. پدرش بدیع‌خان فرزند ملا شاهنشاه از بزرگ‌زادگان ایل زند ساکن شیراز می‌باشد. در سال ۱۲۱۲ هجری در

1. United Organization Tourism World Nations



شیراز متولد شده و در سن چهارده سالگی پس از فراغت از تکمیل خط و قرائت فارسی و مقدمات علوم، به جهت تحصیل علم به عتبات عالیات رفت و در حدود هجده سال در نجف اشرف اقامت داشت و از محضر علمای نجف بخصوص شیخ محمد حسن صاحب جواهر کسب فیض کرد و به درجه اجتهاد رسید (کتابی، ۱۳۷۴: ۳۶۲). همای شیرازی پس از مسافرت‌های متعدد سرانجام به خواهش معتمدالدوله منوچهرخان گرجی حاکم وقت اصفهان و حاج سید محمد باقر شفتی اصفهانی از فهول علمای اصفهان، در اصفهان ساکن شد و در همین شهر نیز ازدواج کرد و رحل اقامت گزید. هما صاحب پنج فرزند پسر و سه فرزند دختر شد که پسران وی همگی خطاط و شاعر بودند که بزرگ‌ترین ایشان محمد حسین عنقا (۱۲۶۰-۱۳۰۸) و کوچک‌ترین ایشان میرزا ابوالقاسم طرب اصفهانی (۱۲۷۶-۱۳۳۰) می‌باشند. (همایی، ۱۳۴۵: ۹).

با توجه به آنچه از فحوای کتب مختلف، در مورد همای شیرازی (اصفهانی)، می‌توان گفت که این شاعر از شیعیانی بوده که سعی کرده با استفاده از ذوق شعری خود در راستای پاسداشت مقام ائمه اطهار علیهم‌السلام از خود به یادگار بگذارد. از این روست که اشعار بجا مانده از او همه در وصف و مدح و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. که برای نمونه به قصیده زیر که در وصف امیر المؤمنین علیه‌السلام سروده شده اشاره می‌کنیم

تا به امر حق، علی شد جانشین مصطفی
(قم و بلّغ ما الیک انزلت یا نور السّما)
ای تو را افسر زیا و سین و تخت از طا و ها
در کف حیدر بنه امروز ای سرو لوا
کی پذیرد گلشن شرع تو بی حیدر صفا
کیست دانی؟ حیدر مرحب کش خبیر گشا
تا بتابد در دلت هر لحظه انوار هدا
آن که از (اَنَا فتحنا) هست بر فرقت لوا
گر به دل یک ذره داری و دوستی مرتضی
این کلام ایزد است و راوی او مصطفی
(کتابی، ۱۳۷۴: ۳۶۵-۳۶۶).

کعبه دین یافت رونق، گلشن ایمان صفا
امر حق آمد به سوی مصطفی کای جان پاک
دست حیدر گیر و بنشان بر فراز تخت خویش
آنچنان که من تو را دادم لوائی سروری
دین تو گیرد رواج از ذوالفقار حیدری
لایق تاج خلافت بعد ختم المرسلین
آینه جان صیقلی کن ای دل از مهر علی
آن که از (نصر من الله) هست در دستش علم
فارغ از غوغای محشر باش و روز رستخیز
لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

همای اصفهانی (شیرازی) در سال ۱۲۹۰ در اصفهان وفات یافت و در صحن امامزاده احمد اصفهان دفن گردید.

ماده تاریخ وفاتش را محمد بقاء سرود و به خط استاد عبدالحسین قدسی بر سنگ مزارش نوشته شد!

همارازین جهان برچیده شد فرش
هما شد بال زن در سایه عرش

چو از بهر سرای جاودانی
بقا گفت از پی تاریخ فوتش

۱. متأسفانه در بازسازی‌های اخیر سنگ مزار هما و طرب تخریب شد و قطعه مزاییک مانند جایگزین شد.

هما	شد	بال	زن	در	سایه	عرش	
۴۶	۳۰۴	۳۳	۵۷	۲۰۴	۷۶	۵۷۰	۱۲۹۰

۴-۱-۲. طرب اصفهانی

میزار ابوالقاسم محمد طرب اصفهانی، کوچک‌ترین پسر همای اصفهانی (شیرازی) است که در ۱۲۷۶ در اصفهان به دنیا آمد (مهدوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۵۰). هنوز به سن بلوغ نرسیده بود که در چهارده سالگی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت برادر بزرگ‌ترش عنقا قرار گرفت. جلال‌الدین همایی در مورد این دوران از زندگی پدر خویش می‌نویسد: «طرب در کودکی و اوایل عهد جوانی اکثر اوقات پیش عنقا به درس و مشق اشتغال داشته و به دستور و انتخاب او نمونه‌های برگزیده نظم و نثر فارسی و عربی شعرا و نویسندگان بزرگ قدیم و معاصر را برای خود می‌نوشته و از بر می‌کرده و دقایق معانی و لطائف اشارات آن را به خاطر می‌سپرده است. در خطوط وی که از آن ایام به یادگار مانده است این عبارات و نظائر آن را مکرر دیده‌ایم که متلا می‌نویسد: «حسب الأمر ابوی مقامی خداوندگاری حضرت ملک‌الشعراء عنقا مد ظله العالی این قصیده یا این کتاب را نوشتم». در یادداشت‌ها و مسودات اشعار عنقا نیز بسیار دیده می‌شود که متلا نوشته است این غزل یا این قصیده و این یادداشت را در حضور نور چشمی میرزا ابوالقاسم سلمه الله نوشتم» (همایی، ۱۳۴۵: ۴۸).

طرب علاوه بر تحصیل نزد پدر و برادر خود از محضر علمای دیگر اصفهان همچون میرزا عبدالغفار یاقعه‌ای، آخوند محمد کاشانس (آخوند کاشی)، جهانگیر خان قشقایی، میرزا محمد باقر موسوی چهارسویی و میرزا حسن جلوه بهره بود و در خط و خوشنویسی از شاگردان افسر اصفهانی به‌شمار می‌رود. (همایی، ۱۳۴۵: ۵۲-۶۵).

هرچند میرزا ابوالقاسم طرب را جزو رجال مشروطه در اصفهان معرفی نکرده‌اند و به دلیل طریقت صوفیانه ایشان کمتر به مباحث سیاسی می‌پرداخت ولی در بحران انقلاب مشروطه قصیده وطنیه ساخت و در مجامع می‌خواند و با تشکیل اولین مجلس شورای ملی سروده‌ای در این باره دارد که مطلعش چنین است:

شادباش ای کشور ایران که رستی از محن
شادباش ای کشور ایران که بخت شد جوان
آمد ایام خوش و بگذشت دوران محن
زین همایون موهبت کت کرد سلطان زمن

طرب در مسافرتی که به تهران داشت در حضور ناصرالدین شاه شعر خواند و مورد تمجید او قرار گرفت؛ حضور او در تهران مقارن شد با جریان قتل ناصرالدین شاه قاجار و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه قاجار که شاعران زیادی برای این جریان ماده تاریخ گفتند ولی سروده طرب اصفهانی از همه زبان‌زد تر شد:

پروین سر خود به پای آن جمع
زد کلک طرب رقم بتاریخ

افکنده و نمود ماه تحسین
تاریخ بود مظفرالدین

مظفر	الدین	
۱۲۲۰	۹۵	۱۳۱۵
با توجه به مصرع قبل باید (پ) پروین را کم کنیم		
	۱۳۱۵-۲	۱۳۱۳

قدیمی‌ترین شعری که از طرب به ما رسیده مربوط به دوران ۱۳ سالگی اوست و از آن به بعد اشعار مختلفی سروده که دیوانی بیش از ۱۲۰۰۰ بیت دارد. بزرگ‌ترین استاد شعر و شاعری طرب در درجه اول همان برادران بزرگ‌ترش "عنقا" و "سها" بوده‌اند که اشعار ابتدائی او را تصحیح می‌کرده‌اند و دقایق سخن سنجی را به وی می‌آموختند. با استنساخ چهار مقاله نظامی و انیس العشاق و حفظ کردن منتخب اشعار فصحای قدیم و دواوین مختلف با شیوه‌های استادان سلف آشنا می‌گردیده و قواعد اصلی عروض و قافیه و بدیع را از روی کتاب «عروض سیفی» و «حدائق السحر» رشید و طواط و «براهین العجم» سپهر کاشانی آموخته است. طرب به سبک‌های مختلفی مانند عراقی و خراسانی شعر سروده است. بیشتر اشعار او همچون اعقابش، در مدح و منقبت اهل بیت و مصائب و مراثی ایشان است. دیوان طرب به همت فرزندش استاد جلال الدین همایی که خود یکی از نوابغ روزگار به‌شمار می‌آید جمع‌آوری و طبع گردید. شعر زیر که در مدح مرثیه واقعه عاشورا می‌باشد از نمونه اشعار اوست

از فرات و شه لب تشنه چو من یاد کنم
آب در کام شود آتش سوزنده مرا
قد و رخسار علی اکبرم آید بنظر
دست از خون دل خویش نگارین سازم
بزبان آید و در ماتم اصغر گرید
شد چو فریاد عطش از حرم شاه بلند
گویم امروز طرب مرثیه آل رسول
جاری از اشک روان دجله بغداد کنم
چونکه از حلق شه تشنه جگر یاد کنم
در چمن چون که نظر بر گل و شمشاد کنم
چون حکایت ز نگار کف داماد کنم
شرح این قصه چو با سوسن آزاد کنم
من از این غم همه شب ناله و فریاد کنم
تا مگر خانه فردای خود آباد کنم

یکی از ویژگی‌های خاص شعری طرب، ساختن ماده‌تاریخ می‌باشد به گونه‌ای که در مدت کم، جمله‌های مناسب بی‌تعمیه پیدا می‌کرد. تاریخ وفات میرزا ابوالحسن جلوه، «بوالحسن جلوه کنان شد سوی فردوس برین»؛ تاریخ وفات میر محمد اسماعیل پاقلعه‌ای، «قربانی دوست کرد جان اسماعیل»؛ تاریخ طبع کتاب وافی از فیض کاشانی، «کافی است پی نجات عقبی کافی» و تاریخ بنای مسجد سلیمان خان رکن الملک در تخت فولاد؛ «تازه شد مسجد اقصی ز سلیمان جهان» از جمله ماده‌تاریخ‌های ماندگار او می‌باشد. (همایی، ۱۳۴۵: ۱۰۰).



میرزا ابوالقاسم طرب اصفهانی، سرانجام در ظهر دوشنبه دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ بر اثر عارضه سخته در اصفهان درگذشت و پس از تشییع جنازه باشکوه و اقامه نماز توسط حجه الاسلام آقا تقی نجفی در صحن امامزاده احمد نزدیک قبر پدرش دفن شد و ماده تاریخ زیر از مرحوم دولت آبادی به خط استاد عبد الحسین قدسی بر سنگ مزارش حک شده بود.^۱ (مهدوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۵۰؛ همایی، ۱۳۴۵: ۲۱۰)

از این جوری که از چرخ کهن رفت	نمی‌دانم چه بر اهل سخن رفت
یگانه گوهر دریای دانش	طرب پور هما استاد فن رفت
یکی گنج هنر در خاک تیره	بس از بردن بسی رنج و محن رفت
سخن‌گویی، ادیبی نکته سنجی	سوی جنت از این بیت الحزن رفت
میان مجمعی بنشسته ناگاه	نمی‌دانم چه شد کز خویشتن رفت
قفس بشکست روحش بال افشان	به شوق قرب حی ذو المنن رفت
چو رفت از انجمن گفتم که بتاریخ	طرب افسوس کز این انجمن رفت

طرب	افسوس	کز	این	رفت	۱۳۳۰
۲۱۱	۲۰۷	۲۷	۶۱	۶۸۰	۱۳۳۰

۴-۱-۳. الفت اصفهان

مرحوم محمدباقر الفت از عالمان و عارفان اصفهانی است که صاحب آثار متعدد در حوزه عرفان و اندیشه است. وی در خانواده‌ای روحانی متولد گردید و به واسطه نام جدش، یعنی حاج شیخ محمدباقر صاحب «حاشیه بر معالم» و ریاست دینی شهر اصفهان، محمدباقر نامیده شد. مهم‌ترین دوره تحصیلی خود را در نجف گذراند و نزد عالمان و فقیهان بزرگی چون آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ باقی اصطهباناتی و ضیاءالدین عراقی تعلیم دید. مدت اقامت وی در عراق نه سال به طول انجامید و از حاج میرزا خلیل، آقا سیدحسن صدر و شیخ محمدباقی اصطهباناتی اجازات روایتی دریافت کرد. حاج شیخ محمدباقر الفت، فرزند حاج شیخ محمدتقی (آقا نجفی اصفهانی) در جمادی الاول ۱۳۰۱ هـ. ق. برابر با ۱۲۶۰-۱۲۵۹ ش. در اصفهان به دنیا آمد. (مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۳). خاندان پدری او، اولاد محمد رحیم بیگ استاجلو (ایوان کی) و ساکن اصفهان بودند. جد مادری او (از سادات موسوی و اولاد میر ابوالقاسم)، میرزا محمد هاشم، از نام آوران عصر خود بود و کمر به تعلیم و تربیت حاج شیخ محمدباقر بست، تا حدی که در علم تاریخ و تراجم مشاهیر، عشقی پایدار در دل الفت پدید آورد. الفت، با دختر عموی خود، دختر حاج شیخ ثقة الاسلام ازدواج کرد.

وی در سال ۱۳۱۹ هـ. ق. پس از ادای مناسک حج به نجف اشرف سفر کرد و در محضر آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، ملاحسین قلی همدانی درجزینی، شریعت اصفهانی، آقا ضیاءالدین ۱. متأسفانه در بازسازی‌های اخیر سنگ مزار هما و طرب تخریب شد و قطعه مزاییک مانند جایگزین شد.



عراقی به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در کنار تحصیل، با سخت‌کوشی موفق به تدوین کتاب‌هایی مختلف شد. (مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۴).

در دوران مشروطه، با این‌که یکی از مشروطه خواهان به شمار می‌آمد، بیشتر وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق و آموختن زبان فرانسه می‌کرد و چون استاد زبان فرانسه در نجف اشرف، بسیار کم بود، به عراق رفت و در کاظمین سکونت گزید. او هر روز با یک واگن اسبی فاصله کاظمین تا بغداد را به شوق فراگیری زبان فرانسه از معلمی ارمنی، می‌پیمود و سرانجام بر زبان فرانسه و عربی تسلط کامل یافت. در دوران مشروطیت، به اصفهان برگشت و با تشکیل کمیته آفتاب و انتشار مجله آفتاب به فعالیت پرداخت. او از دست اندرکاران انتشار مجله دیگری به نام دانشکده نیز بود. (کتابی، ۱۳۷۵: ۴۳۴-۴۳۸) برخی از تألیفات او عبارتند از: دیوان الفت، رساله محبت الهی (تالیف افلاطون، ترجمه از عربی به فارسی)، هفت برادر، دیوان دانشنامه، تاریخ مشروطیت، ابواب الروضات و حاج شیخ محمدباقر الفت، پس از ۸۳ سال عمر با عزت و سراسر تحقیق و آموزش، بر اثر بیماری سخت و طولانی و سکت‌های متناوب، در چهاردهم مردادماه ۱۳۴۳ ش. به سرای باقی شتافت. پیکرش در مقبره والدش جنب امامزاده احمد علیه السلام اصفهان به خاک سپرده شده است. (مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۴).

۴-۱-۴. خجسته اصفهانی

میرزا محمد، شاعر و ادیب و فاضل در سال ۱۱۹۰ در اصفهان وفات یافت و در صحن امامزاده احمد مدفون گردید. (مهدوی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۵۸۵). متأسفانه از ایشان اطلاع بیشتری در دسترس نیست.

۴-۲. شعر و کتیبه

کتیبه‌ها فصل مهمی از معماری ایران اسلامی‌اند کتیبه اشاره به کتابه دارد که خطوط خوش‌حواشی عمارات را تداعی می‌کند (سنگلاخ، ۱۳۸۹: ۹۶۰). فاخرترین کتیبه‌های اسلامی در ارتباط با معماری اسلامی، خصوصاً در بناهای مذهبی و مساجد معنا یافته است و از این رو آن‌ها در شمار مهم‌ترین تزئینات معماری لحاظ می‌گردند و نیز از نظر زیبایی‌شناسی ابنیه اسلامی، خطوط کتیبه‌ها، زیبایی و ارزش‌های هنری بنا را شکل می‌دهند (اتینگهاوزن، ۱۳۸۶: ۵۰۸) کتیبه‌ها اگرچه جزئی از عناصر تزئینی معماری به شمار می‌آیند لکن از جنبه هویتی و تجلی بخشیدن به مفاهیم معنایی در معماری مساجد و ابنیه‌های مذهبی در خور اهمیت بسیاریند و لذا مساجد و بناهای اسلامی اغلب با کتیبه‌های آن توصیف و تفسیر می‌شود. (شهیدانی، ۱۳۹۲: ۶۶).

۴-۲-۱. کتیبه گرداگرد ضریح امامزاده

ناصر الدین خدیو ملک گشا
آسمان وجود چرخ سخا

در زمان شه همایون فال
پور محمود او ملک مسعود

ظل سلطان یمین دولت شاه
مرقد پاک حضرت احمد
داشت حیرت که چون کندانشا
یکى آمد ز غیب و گفت حلیم
ظل سلطان نهاد کعبه بنا
که بود منبع بها و ضیا
کرد این بقعه را ز نو برپا
داشت حیرت که چون کندانشا

ظل	سلطان	نهاد	کعبه	بنا	
۹۳۰	۱۵۰	۶۰	۹۷	۵۳	
جمع اعداد می شود ۱۲۹۰ که با توجه به مصرع قبل ۱ هم به آن اضافه می شود					
۱۲۹۱					

این کتیبه که به خط نستعلیق بر دورتادور ضریح حجاری شده، بنا بر ماده تاریخ آن مربوط به سال ۱۲۹۱ می باشد که زمان حکومت ظل السلطان در اصفهان است.

۲-۲-۴. ماده تاریخ سنگ مزار همدم السلطنه

سنگ مزار همدم السلطنه، (دختر امیرکبیر و همسر ظل السلطان) در مقبره شخصی وی و از مرمر یکپارچه مکعب شکل به ابعاد ۱/۹۶ متر و عرض ۰/۹ متر ساخته شده است. سرلوحه این سنگ مزار شامل «هو الحی الذی لا یموت» است که طرفین آن با نقش قرینه دو فرشته در حالی که پرواز کنان گل های زنبق را حمل می کنند احاطه شده است.



تصویر سنگ مزار همدم السلطنه



وز جفای سپهر نافرجام
چهر چون مهر زیر تیره غمام
مهر و مه روشنی نمودی وام
آسمان کرد جامه نبلی فام
شد بر ابنای روزگار حرام
نسب پاک از امیر نظام
مادر از صلب خسروان عظام
کرد در گلستان خلد خرام
از کف ساقی بهشتی جام
چه کند جیفه مرغ عرش کنام
نیست طاووس عرش بسته دام
مرغ روحش ز شوق آن پیغام
چون ز دور فلک رسید به شام
در محرم بخاک جست آرام
کرده در بوستان قدس مقام

ای دریغ از جهان بی بنیاد
ماهی از برج سلطنت بنهفت
بانویی شد به خاک کز رایش
تا که در خاک رفت پیکر او
زهره تار طرب شکست که عیش
همدم السلطنه که او را بود
پدر از خیل سروران بزرگ
رفت از این منزل فنا بیرون
تشنه قرب دوست بود و گرفت
دامن از جیفه جهان افشاند
دام بشکست شد به خلد آری
تا شنید ارجعی ز دوست پرید
الغرض صبح زندگانی او
شد به ذیحجه از جهان اما
گفت عنقا برای تاریخش

کرده	در	بوستان	قدس	مقام	
۲۲۹	۲۰۴	۵۱۹	۱۶۴	۱۸۱	۱۲۹۷

این شعر که با خط نستعلیق بر روی سنگ مزار حک شده است از ملک الشعراء، محمد حسین عنقای اصفهانی^۱، از شعرای به نام اصفهان می باشد.

۴-۲-۳. ماده تاریخ سنگ مزار عزیز السلطنه

در مقبره همدم السلطنه سنگ مزار دیگری به طول ۱/۸۴ متر و عرض ۰/۹۷ متر موجود است که به عزیز السلطنه (دختر ظل السلطان) تعلق دارد. بر سرلوحه این سنگ و در میان نقوش اسلیمی و ختایی، جمله «هو الحی الذی لا یموت» جاری شده است. نقوش اسلیمی و ختایی همچنین به صورت یک قاب بندی اطراف سنگ مزار را نیز پوشش می دهند. پس از آن متن زیر به چشم می خورد: «وفات مرحومه مغفوره جنت رضوان آرامگاه نوابه علیه عالیه عزیز السلطنه طاب الله ثراها و جعل الجنة مئواها در چهارم شهر ربیع الثانی».

۱. محمد حسین عنقا، ملک الشعراء دوره ناصری فرزند بزرگ همای شیرازی است که پس از وفات در تکیه میر فندرسکی تخت فولاد به خاک سپرده شد. (ر.ک: لطفی، ۱۳۹۰: ۴۲۴)



تصویر سنگ مزار عزیز السلطنه

در عزای محنت افزای عزیز السلطنه ای خروش از قد رعناى عزیز السلطنه ای فسوس از روی و از رای عزیز السلطنه خاک شد فرق فلک سای عزیز السلطنه بر سر نه آسمان پای عزیز السلطنه جنت مأوی ست ماوای عزیز السلطنه

آه و فریاد و فغان از دور چرخ کج مدار ای فغان از روی زیبایی مه چرخ عفاف ای دریغ از ماه دخت آن دخت ظل پادشاه از ستیز چرخ و از ناپاکی خاک دو رو دل در این خاک مطبق چون گرفت از جان رسید پا به جنت هشت گفت از بهر تاریخش شها

	عزیز السلطنه	ماوای	ست	مأوی	جنت
۱۳۰۵	۲۷۸	۵۷	۴۶۰	۵۷	۴۵۳
۱۳۰۸	با توجه به مصره قبل عدد ۳ (معادل کلمه یا) به این تاریخ اضافه می شد				

۴-۲-۴. ماده تاریخ سنگ مزار خسرو خان خلف صارم الدوله

از دیگر مزارات موجود در مقبره همدم السلطنه می‌توان به سنگ قبر خسروخان اشاره نمود که از لحاظ ابعاد و اندازه با دو سنگ دیگر مشابه است. جمله «هو الحی الذی لا یموت» همراه با نقوش

اسلیمی و ختایی و نقش گل سرخ، سرلوحه این سنگ را تشکیل می‌دهند. پس از آن، مشخصات متوفی و اشعاری مرتبط با وی درون قاب بندی های موازی با این مضمون نقر شده است: «وفات مغفور مبرور خلد آشیان خسرو خان نور الله مرقده خلف مرحمت و غفران پناه جنت مکان ابوالفتح خان صارم الدوله عطر الله مضجعه به تاریخ ۱۸ شهر ذیقعدہ ۱۳۱۶».



تصویر سنگ مزار خسروخان

ماوی ز جهان به جنت الماوی کرد
تا روی ز دنیا به سوی عقبی کرد
خسرو بجنان جاودان ماوی کرد

خسرو چو نهن روی خود از دنیی کرد
زد پا به سر دنیی دون از سر ناز
سر زد ز جنان و گفت تاریخ سها

	خسرو	بجنان	جاودان	ماوی	کرد
	۸۶۶	۱۰۶	۶۵	۵۷	۲۲۴
	با توجه به مصرع قبل باید عدد ۲ (حرف ب که بر سر جنان آمده) را از مجموع کم کنیم				
	۱۳۱۸				۱۳۱۶

۴-۲-۵. ماده تاریخ سنگ مزار هرمز خان قشقایی

سنگ مزار پلکانی «هرمز خان قشقایی» هم از لحاظ نقوش و تصاویر و هم از جنبه حجاری زیباترین قبر امامزاده احمد است. بر پیشانی این سنگ قبر، به خط ثلث زیبا عبارت «هو الحی الذی لا یموت» و نقش گل‌های زنبق حجاری شده است. سطح بالایی شامل تصاویری از شکار، نقوش گل و مرغ و کتیبه معرفی متوفی و اشعاری به مضمون زیر دارد. «وفات مرحمت غفران پناه جنت رضوان آرامگاه هرمز خان ولد مرحوم طوبی آشیان خسرو خان قشقایی فی سیم محرم سنه ۱۲۹۴».

ضیغمی کاهوی دل آمد کباب
خون ز چشمه چشم جاری جای آب
که غلامش شیده و افراسیاب
کوست بر خلق جهان مالک رقاب
جان فشانی کرد او هم در رکاب

باز صیاد اجل کردی شکار
کوه ناسنگین شد و دل در فغان
شد نشان تیر قضا را رسمتی
حضرت مسعود شه ظل ملک
از غلامان انتخابش کرده بود

زین جهت هرگز نمودش نام باب
 کهنه آمد گرچه تاریخ کتاب
 بر بیاض غم بسودای حساب
 دست شست از زندگانی در شیباب
 آری از آهو بیفتند مشک ناب
 رب بیض وجه یوم العقاب

مزدک تیر خطا کردش نشان
 در محرم عشر آخر سال نو
 لیک کلک سحرانگیز بهار
 پا بدامن بر کشیدی از جهان
 صید آهو کرد و افتادی ز پا
 در دعا بگشود و گفتا بعجز

سنه ۱۲۹۴

رب	بیض	وجهه	یوم	العقاب	۱۲۹۴
۲+۲۰۲	۸۱۲	۱۹	۵۶	۲۰۳	۱۲۹۴

در پله دوم صحنه هایی از تفریح و شکار درباریان با دقت کامل حجاری شده است که لحظات پایانی زندگی هرمز خان (شکار، تیر خوردن و فوت) را بازنمایی می کند. همراه با این تصاویر و در میان نقوش تزئینی، این اشعار به چشم می خورد.

نتیجه

امامزادگان و بقاع متبرکه در طول تاریخ، همواره مورد توجه مردم بوده و به همین دلیل یکی از اماکن مهم در کالبد شهری می‌باشد. وجود شخصیت امامزاده که منتسب به ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد باعث گردید که مردم شیعه همواره به این مکان‌ها به عنوان مکانی مقدس و متبرک بنگرند و همین امر باعث شده که هنرمندان و شاعران برای تقدیس این اماکن هنر خود را عرضه کنند، به همین دلیل است که در اکثر این ابنیه‌ها اوج هنر معماری ایرانی اسلامی را شاهدیم. علاوه بر این موضوع به دلیل متبرک بودن این اماکن، مردم و بزرگان و علما و مفاخر وصیت داشتند که در کنار قبور این امامزادگان دفن شوند که این سنت همچنان در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی جریان دارد. وجود اشعار شاعران در کتیبه نویسی و سنگ مزار مفاخر مدفون در امامزادگان از یک طرف و همچنین مدفن این شاعران در این اماکن متبرکه از طرفی دیگر، ظرفیت ایجاد این اماکن به مقصد گردشگری ادبی را بیان می‌دارد.

یافته‌های این پژوهش در موارد زیر قابل بیان است

اشعار موجود در کتیبه‌های ابنیه امامزادگان هم از لحاظ ادبی و شعری و هم از لحاظ هنر خط و خطاطی می‌تواند به عنوان مؤلفه‌های گردشگری ادبی لحاظ شود.

وجود مقابر شاعران بزرگ ایران اسلامی همچون همای شیرازی، طرب اصفهانی و الفت اصفهانی که هر سه از شاعران بنام آئینی و ملی ایران در امامزاده احمد اصفهان مؤلفه دیگری از گردشگری ادبی می‌باشد.

وجود اشعار زیبا و نغز همراه با هنر ماده تاریخ، که تقریباً می‌توان گفت از هنرهای ادبی بسیار حائز اهمیت و منسوخ شده ادبیات فارسی است منقش بر سنگ قبور در امامزاده احمد از دیگر مؤلفه‌های گردشگری ادبی این مکان به شمار می‌رود.

آنچه مشخص است، این ظرفیت‌ها نه تنها در این بقعه متبرکه، بلکه در دیگر امامزادگان و اماکن متبرکه نیز موجود است ولی باید با سیاست‌های درست و برنامه ریزی سعی در معرفی این ظرفیت‌ها برای بهره‌برداری بهتر جهت توسعه صنعت گردشگری ادبی باشیم تا از این طریق گامی جهت تبدیل این مکان‌ها به قطب‌های فرهنگی در جامعه اسلامی برداشته شود.



کتاب‌نامه

- ایتینگهاوزن، گرابر (۱۳۸۶). *معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولى.
- بیات، ناصر؛ اسدی، علیرضا (۱۳۹۶). «چالشها و رهیافتهای توسعه گردشگری ادبی در ایران»، *نشریه جامعه پژوهی فرهنگی*، سال هشتم شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.
- جناب، میرسیدعلی (۱۳۷۵). *رجال و مشاهیر اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری اصفهان
- سنگلاخ، میرزا (۱۳۸۸). *تذکره الخطاطین*، به کوشش مهدی قربانی، مشهد: قاف.
- شاهمندی، اکبر (۱۳۹۲). «بررسی متون و تصاویر در سنگ مزارات امامزاده احمد اصفهان». *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امامزادگان*، زیر نظر دکتر اصغر منتظر القائم، اصفهان: اسوه.
- شهیدانی، شهاب (۱۳۹۰). «شکوه قلم ثلث در کتیبه‌های مذهبی امامزاده جعفر». *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امامزادگان*، زیر نظر دکتر اصغر منتظر القائم، اصفهان: اسوه.
- صیامیان گرجی، ابوالفضل؛ فراهانی، فاطمه؛ رحمانیان، ابراهیم؛ حسینی، سید اسعد (۱۳۹۳). «بررسی ظرفیت‌های گردشگری ادبی ایران (با مطالعه مورد شرق ایران: استان خراسان رضوی)»، *نشریه پژوهش هنر*، سال دوم شماره ۸ زمستان ۱۳۹۳.
- طباطبایی، ریحانه (۱۴۰۰). «شناسایی و اولویت‌بندی برند مقاصد گردشگری ادبی کشور با استفاده از تکنیک‌های SWARA و WASPAS (مطالعه موردی گردشگران خراسان رضوی)»، *نشریه مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان*، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۷۰). *اطلس خط*، اصفهان: مشعل.
- کبیری، محمد رضا (۱۴۰۲). «جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اشعار منقوش در ابنیه تاریخی اصفهان اعم از کتیبه‌ها و سنگ‌نشته‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- کتابی، محمد باقر (۱۳۷۵). *رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر*، ج ۱، اصفهان: انتشارات گلها.
- لطفی، علیرضا (۱۳۹۰). *تذکره شعرای تخت فولاد اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۴). *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، ج ۱ و ۲، تحقیق و تصحیح و اضافات، رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان، اصفهان: انتشارات گلدسته.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۲). *مقدمه دیوان طرب*، تهران: کتابفروشی فروغی.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۴۶). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، تهران: چاپخانه زیبا
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۷۰). *اصفهان*. تهران: فرانکلین
- Cultural tourism", in: Jafari, Jafar. Encyclopedia of Tourism." Yamashita, Shinji (۲۰۱۶). Springer International Publishing. pp ۲۱۳-۲۱۲.
- The Tourist Gaze: Leisure and Travel in Contemporary Societies. London: Sage ۱۹۹۰. Urry, J